

**شوق مهدی (عج) – صفحه ۴۲****#تاریخ\_ادبیات:**

فیض کاشانی: صفحه ۱۴۲ کتاب درسی

**#معنای\_لغات:**

نهان: پنهان، پوشیده / حجاب: پوشش، در اینجا یعنی مانع دیدار / ورنه: وگرنه / رخم: چهره‌ام / عیان: معلوم و آشکار / از که: از چه کسی / جانا: ای جان (ای کسی که مانند جان برایم عزیزی) / کوی: محله / شادمانی: خوشحالی / فغان: داد و فریاد / نگاه دار: حفظ کن

**#معنای\_شعر:**

**بیت اول:** گفتم: که چرا چهره‌ی زیبای خود را از من پنهان می‌کنی و ظهور نمی‌کنی؟ در جواب من گفت: چهره‌ی من آشکار و قابل دیدن است؛ اما تو خودت مانع دیدن من، هستی.

**بیت دوم:** گفتم: ای محبوب عزیز! نشانی محل زندگی تو را از چه کسی بپرسم؟ گفت: به دنبال نشانی نگرد! محل زندگی من، بدون نشانی است. (خودت باید به آن برسی، پرسیدنی نیست)

**بیت سوم:** گفتم که غم عشق تو برای من، از شادی و خوشحالی، دلنشین‌تر است. گفت: غمی که در راه رسیدن به ما، به عاشقان می‌رسد پر از شادی و شادکامی می‌باشد.

**بیت چهارم:** گفتم: شدت عشق تو، مرا گرفتار رنج و عذاب کرده است. گفت: عاشقی که در راه معشوق می‌سوزد و محو می‌شود، دیگر از او ناله و فریاد، بلند نمی‌شود. (از این رنج و اندوه گله نمی‌کند).

**بیت پنجم:** گفتم: این عمر باقیمانده را فدای تو خواهیم کرد؛ آن را از فیض قبول کن! گفت: آن را حفظ کن (برای خودت نگه‌دار)؛ چرا که تعلق و وابستگی تو به آن، سبب همین غم و اندوه تو شده است.

**#آرایه\_ها:**

بیت اول: عیان با نهان: تضاد / بیت دوم: «که» جناس تام؛ اولی حرف ربط، دومی به معنی چه کسی / جانا ← جان: استعاره از عزیز و دوست داشتنی / تکرار واژه نشان آرایه تکرار است / بیت سوم: غم و شادمانی: تضاد / شادمان بودن غم: تشخیص و متناقض نما (شاد بودن غم) / سوختن جان: کنایه از گرفتار رنج و عذاب شدن / آتش نهان: استعاره از شوق و رغبت و عشق / گفت آن که سوخت او را...: استفهام انکاری / غم‌خانه: استعاره از جان و عمر آدم / جان: مجاز از تعلقات و وابستگی‌ها

**#نکات\_دستوری:**

روی خوبت: روی ← هسته؛ خوب ← صفت بیانی؛ ت = تو ← مضاف الیه / مرا غم تو: غم تو برای من ← را: حرف اضافه / خوش‌تر ز شادمانی (است): فعل محذوف به قرینه‌ی معنوی / غم‌خانه: ترکیب اضافی مقلوب

**#نکات\_ادبی:**

شعر مناظره / بیت پنجم: «فیض» تخلص شاعر است

**#قلب\_شعر: غزل**